

آینه



بدعت‌تحدید

● سکوت نمایندگان در برابر دخالت شورای نگهبان در نظارت بر عملکرد آنها شائباتی را ایجاد کرده است. گاه اظهاراتی بیان می‌شود و اتفاقاتی در کشور رخ می‌دهد که پیام‌هایی فرامنتی دارد و هزینه‌های آن را بیشتر اوقات مردم و جمهوریت نظام پرداخت می‌کنند. در همین راستا چندی پیش عباس کدخدایی که توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی بعد از یک دوره وقفه به شورای نگهبان راه پیدا کرد و سخنگوی این شورا شد، در اظهاراتی عجیب گفت که یکی از وزیران در چند ماه گذشته از یک نماینده مجلس به‌دلیل اظهارات خلاف واقع شکایت کرد که شورا به این نماینده تذکر داد. این نوع رویکرد و اقدام یا بهتر بگویم بدعت توسط شورای نگهبان در همان روزها سبب اعتراض بسیاری شد. مصطفی تاجزاده اولین فردی بود که به این موضوع واکنش نشان داد و این نوع عملکرد را زیر سؤال برد. در ادامه محمدجواد فتحی که در رابطه با شفاف‌سازی آرای نمایندگان سخن می‌گفت در پاسخ به این سؤال که آیا این شفافیت آرا می‌تواند حساسیت شورای نگهبان را نسبت به نمایندگان بیشتر کند، گفت: خاک بر سر آن نماینده‌ای که از نظر شورای نگهبان می‌ترسد. در همان روزهای ابتدایی نیز غلامرضا کاتب، عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، از تذکر شورای نگهبان به نمایندگان مجلس اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، اما تاکید دارد این شورا نمی‌تواند به نمایندگان تذکر دهد.

اعتراض

فراکسیون امید، حزب نیست

● **جلال مرزایی**، به نظر من آقای کرباسیان قربانی آقای نوبخت شد. موضوعی که حتی در نطق برخی استیضاح‌کنندگان از جمله آقای حضرتی که برخلاف نظر فراکسیون خواهان استیضاح بود نیز مطرح شد. معتقدم اگر نوبخت به‌عنوان مسبب اصلی مشکلات تغییر می‌کرد، امروز بسیاری از اتفاقات رخ نمی‌داد. شخصاً از آن جهت نوبخت را مقصر می‌دانم چون تخصصی منابع و برنامه‌ریزی در دست او است. به این مهم در صحن مجلس هم اشاره شد و برخی نمایندگان صراحتاً گفتند چون نمی‌توانیم نوبخت را برگتار کنیم، با استیضاح کرباسیان قصد داریم پیام مهمی را به رئیس‌جمهور منتقل کنیم. متأسفانه درحال‌حاضر، ریشه پافشاری و اصرار رئیس‌جمهور بر حضور نوبخت نیز دیگر بر هم‌کان مشخص شده و این ریشه، رفاقت دیرینه رئیس‌جمهور با نوبخت است.

ایران

اصلاح‌طلبان ازروحانی عبور نمی‌کنند

● **در گفت‌وگو با فیض الله عرب‌سرخی**، دولت هم خطا و نقص دارد، اما فقط دولت؟ ضعف دیگر نهادها را هم دولت باید پاسخ بدهد؟ دولت اشتباهاتی کرده و باید در قبال اشتباهاتش در افکار عمومی مجازات شود، اما آیا فقط دولت اشتباه داشته؟ دولت یک مدیر می‌خواهد نصب کند، از صد نهاد در انتصابش دخالت می‌کند. اما وقتی همان کار خراب می‌شود، فقط دولت باید جواب بدهد. آنها که اجازه نمی‌دهند نیروهای کارآمد بر سر کار بیایند، نباید پاسخ‌گو باشند؟ همه باید جواب‌گو باشند. همان‌طوری که وقتی یک کار مفید انجام می‌شود، صد تا صاحب پیدا می‌کند، در قبال کارهای بد هم باید این‌طور باشد.



آقای حضرتی خوش آمدید

● شگفتی روز استیضاح وزیر اقتصاد در صحن علنی مجلس، الحق الیاس حضرتی بود، نماینده اصلاح‌طلب، مجلس که نطق جالب‌توجهی علیه کرباسیان، وزیر مورد استیضاح انجام داد و برای مخالفت با وزیر دولت روحانی مجبور شد با ارسال نامه‌ای به محمدرضا عارف از عضویت در این فراکسیون انصراف دهد تا بتواند برخلاف تصمیم فراکسیون، در مخالفت با وزیر صحبت کند. او حتی علیه کل دولت هم موضع گرفت: «در دولتمردان و قوه قضائیه آمادگی برای جنگ تمام‌عیار اقتصادی دیده نمی‌شود. در این شرایط ما فقط می‌توانستیم از وزیر اقتصاد پاسخ‌گو باشیم. حق این بود که رئیس‌جمهور، آقای جهانگیری، نوبخت، نه‌انودیان و سیف استیضاح می‌شدند». نطق آتشین حضرتی در صحن علنی مجلس البته با انتقاد دوستانش مواجه شد و روزنامه سازندگی هم اقدام او را یک «خودزنی» توصیف کرد. ما البته وارد مجادله دولت و الیاس حضرتی و سازندگی نمی‌شویم. این نطق آتشین علیه دولت یک روز قبل از آن بود که بهرام سرمست، معاون سیاسی وزیر کشور و دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب اعلام کرد که «انتخابات شورای مرکزی و بازرسین حزب اعتماد ملی، صورت تأیید قرار نگرفت و مجمع عمومی این حزب، مجدداً باید برگزار شود». اشاره او به انتخاباتی است که در آن الیاس حضرتی، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی، به‌عنوان قائم‌مقام حزب اعلام شد و البته مورد اعتراض و شکایت برخی دیگر از اعضای شورای مرکزی قرار گرفت. روشن نیست آیا الیاس حضرتی در هنگام ایراد نطق جنجالی‌اش علیه دولت از این تصمیم کمیسیون ماده ۱۰ احزاب مطلع بوده یا نه اما درهر حال تنش‌ها بین حضرتی و دولت را افزایش خواهد داد و باید منتظر ماند و دید که آیا این تغییر رویکرد حضرتی در روزنامه اعتماد که مدیرمسئولی‌اش بر عهده اوست، دیده خواهد شد؟

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

گزارش «شرق» از ۲ روز جلسه رسیدگی به شکایت ایران از آمریکا

پیکار حقوقی در لاهه

امیر ساعد ، وکیل و عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران



شد، ذکر شده است که علاوه بر اینکه هدف، عدم دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای است، سیاست آمریکا در بازداشتن سپاه از فعالیت‌های مداخله‌جویانه و ثبات‌زای آن است و در دوران برجام، ایران از نظام مالی آمریکا برای این مقاصد خود سوءاستفاده می‌کرده است.

تشکیک درصلاحیت دادگاه

در بخش دیگری از دفاعیات آمریکا، موضوع شرایط درخواست صدور دستور موقت مورد توجه قرار گرفت که شرط اول آن این است که دادگاه دارای صلاحیت علی‌الظاهر برای رسیدگی به دعوا باشد و سپس می‌تواند اقدام به صدور دستور موقت کند. در این بخش وکیل آمریکا توجه خود را به بند دوم ماده ۲۱ عهده‌نامه مودت معطوف کرد که ایران آن را به عنوان مبنای صلاحیت دیوان در این دعوا معرفی کرده است. این ماده ناظر بر اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای عهده‌نامه مودت است ولی دعوای کنونی ایران مربوط به توقف مشارکت آمریکا در برجام است. برجام یک سند چندجانبه است که شرط حل‌وفصل اختلاف خود را دارد و در آن هیچ اشاره‌ای به دیوان نشده است، پس دیوان صلاحیت رسیدگی به این دعوا را ندارد.

محور دیگری که وکیل آمریکا به آن اشاره کرد، این بود که ایران طبق همین ماده، پیش‌شرط مراجعه به دیوان یعنی انجام تلاش‌های واقعی دیپلماتیک قبل از ثبت دادخواست خود نزد دیوان را محقق نکرده است. باید یادآور شد که ماده ۴۱ اساسنامه غرض از صدور دستور موقت را حفظ حقوق طرفین می‌داند نه فقط حقوق خواهان. با توجه به حق حاکمیت آمریکا، تردیده‌ای جدی درباره حقوق مورد ادعای ایران در شرایطی که امنیت ملی آمریکا تهدید شده، وجود دارد و بنابراین مبنایی برای صدور دستور موقت نیست. صلاحیت در مورد ماهیت این دعوا وجود ندارد و قضات باید به روح، متن و هدف برجام توجه کنند و در تصمیم خود آن را مورد اشاره قرار دهند.

روزاول: تقاضای توقف موقت

با چهار دقیقه تأخیر، لنز دوربین اتاق جلسه رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری باز شد و رئیس دیوان جلسه را به‌طور رسمی آغاز کرد. او پس از گرمیادداشت یاد کوفی عنان، دبیرکل سابق فقید سازمان ملل متحد و با شرح مختصری از سوابق تحصیلی و کاری او، یک دقیقه سکوت به احترام فوت دبیرکل سابق سازمان ملل متحد اعلام کرد. قاضی ابواشی که جایگزین قاضی اودا شده است، معرفی شد و سوگند یاد کرد. متعاقباً طبق تشریفات معمول دیوان، هر دو قاضی اختصاصی آمریکایی (دکتر براور) و ایرانی (دکتر ممتاز) معرفی شدند و آنها نیز سوگند یاد کردند. قاضی ایالات متحده اسکان حضور در این پرونده را نداشت و از این جهت، قاضی اختصاصی آمریکایی برای این پرونده معرفی شده است.

رئیس دیوان پس از اشاره کوتاهی به گردش کار پرونده و دادخواست و مکاتباتی که بین طرفین صورت گرفته است، از منشی دادگاه خواست درخواست‌های ایران را برای صدور دستور موقت قرائت کند. درخواست ایران اجمالاً تعلیق فوری تحریم‌ها به‌ویژه تحریم‌های فراسرزمینی‌ای که ایالات متحده مجدداً بعد از خروج از برجام آنها را در یک مرحله تحمیل کرده و در مرحله دیگر با شدت بیشتری تحریم‌ها را اعمال کرده و بی‌اثرکردن قرار صادره از این دادگاه برآید و در نهایت درخواست جبران خسارت کامل برای تحریم‌های اعمال‌شده از سوی آمریکا و تضمین تکرارنکردن نا تعیین‌تکلیف نهایی اختلاف به موجب رأی قطعی دیوان است.

دفاعیات ایران

آقای دکتر محسن محبی، نماینده ایران، شروع به تشریح ادعای ایران کرد. او با استناد به اظهارات وزیر

امور خارجه ایالات متحده، یادآور شد آمریکا درصدد پیاده‌کردن شدیدترین تحریم‌ها در طول تاریخ علیه جمهوری اسلامی ایران است. با وجود اینکه ایران دو بار تلاش دیپلماتیک خود را کرده تا از طریق مذاکره این اختلاف را حل‌وفصل کند، ولی چون تلاش‌های ایران به جایی نرسید، چاره‌ای پیدا نکرد جز اینکه از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری اختلاف خود را حل‌وفصل کند. در مقابل، آمریکا در مقابل درخواست ایران برای رسیدگی به اختلاف از طریق دیوان، مدعی صلاحیت‌نداشتن این دیوان شده است و اکنون ایران برای جلوگیری از تشدید اختلاف بین طرفین از طریق تلاش آمریکا برای توقف چرخ اقتصاد ایران، درخواست صدور دستور موقتی از این دیوان دارد.

نماینده ایران در این پرونده نزد دیوان بین‌المللی دادگستری تصریح کرد که مبنای صلاحیت دیوان برای رسیدگی به این اختلاف عهده‌نامه مودت بین ایران و آمریکاست که در سال ۱۹۵۵ به تصویب طرفین رسیده و تعهدات اقتصادی و کنسولی مشتمل بر آزادی تجارت بین دو دولت، ممنوعیت اعمال تبعیض در روابط تجاری و بین‌اتباع طرفین و عدم امکان بلوکه‌کردن دارایی‌های هریک نزد دیگر دولت متعهد ازجمله مفاد مندرج در این عهده‌نامه است.

صلاحیت دادگاه‌و عهده‌نامه

اولین وکیل ایران آقای آلن پنه مسئولیت داشت تا صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به پرونده و در نتیجه صدور دستور موقت را اثبات کند. او به بند دوم ماده ۲۱ عهده‌نامه مودت اشاره کرد که اگر تلاش‌های دیپلماتیک درباره تفسیر و اجرای این عهده‌نامه راه به جایی نبرد، دیوان بین‌المللی دادگستری واجد صلاحیت خواهد بود. او به یادداشت‌های صادره از سوی ایران به دولت آمریکا که ۱۱ و ۱۹ ژوئن ۲۰۱۸، اشاره و خاطرنشان کرد ایران در این یادداشت‌ها به مغایرت این تحریم‌ها با تعهداتی که آمریکا طبق حقوق بین‌الملل و عهده‌نامه مودت دارد، تصریح کرده و خواستار قطع فوری نقض این تعهدات از سوی آمریکا شده است. پله در ادامه به این موضوع اشاره کرد که در واکنش به یادداشت‌های ایران، آمریکا در نامه ۲۷ جولای ۲۰۱۸ قائل به صلاحیت‌نداشتن دیوان بین‌المللی دادگستری شد. او تصریح کرد: مطابق رویه‌ای که دیوان داشته است، دیوان باید موضوع جوهری دعوا را تشخیص دهد و سپس برای صدور دستور موقت به فرمول انتخابی خواهان توجه کند. به این ترتیب، دیوان دستور موقت ایران، غیر از هدف غایی اقامه این دعوا هنگام صدور حکم نهایی خواهد بود. او تصریح کرد موضوع جوهری این دعوا، اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران، شرکت‌ها و اتباع ایرانی، منحصرأ در ارتباط با اعمال متخلفانه بین‌المللی آمریکا به واسطه تحریم‌هایی است که در هشت می اعمال کرده و بعد از آن اعمال خواهد کرد.

توجه به موضوع دعوا، پله به نامه نماینده آمریکا اشاره کرد که در آن قید شده است برجام شرط صلاحیت رسیدگی دیوان را در خود ندارد و شرط صلاحیتی عهده‌نامه مودت هم بسیار مضیق است و اساساً موضوعات مطرح‌شده از سوی ایران در این پرونده، خارج از قلمرو عهده‌نامه مودت قرار می‌گیرد. وکیل ایران ادعا کرد ایران مدعی نیست که مفاد برجام موضوع این دعواست. او همچنین با اشاره به دستور اجرایی شماره ۱۳۸۴۸ رئیس‌جمهور آمریکا، ضمن اینکه هدف دیگر با شدت بیشتری تحریم‌ها را معاملات با دلار، قراردادهای اقتصادی و حقوقی در فهرست تحریم، عدم تجویز معامله در صنعت نفت و انرژی ایران، ممنوعیت هر معاملهای با ایران و حتی بازرانیی و هر فعالیت اقتصادی جدید و ...

او ضمن تاکید بر صریح‌بودن و غیرقابل‌انکاربودن شرط صلاحیتی عهده‌نامه مودت، ضمن اشاره به تصمیم دیوان در قضیه سکوه‌ای نفتی استدلال کرد که دیوان

بند اول ماده ۲۰ عهده‌نامه مودت را که اعمال حقوق مندرج در این عهده‌نامه را در راستای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین منافع اساسی ملی مستثنا کرده، قابل اعمال ندانست و اینچ‌ها هم چون اصولاً بند اول ماده ۲۰ یک موضوع ماهیتی است و در مرحله رسیدگی به درخواست صدور دستور موقت ایران نباید مورد بررسی قرار گیرد، استناد به آن را بلاوجه دانست.

زبان تحریم‌ها

وکیل بعدی ایران که باید به مرحله باورپذیری درخواست ایران با توجه به حقوق ادعایی تحت عهده‌نامه مودت می‌پرداخت آقای لو بود که به‌لحاظ بیماری امکان شرکت در جلسه را پیدا نکرد و دستیار وی، آقای اوگی، این مسئولیت را برعهده گرفت. آقای اوگی ضمن اشاره به رویه دیوان در قضیه سنگال علیه بلژیک به موضوع رابطه بین حقوق و درخواست دستور موقت ایران اشاره کرد. وی یادآور شد که بر اساس عهده‌نامه مودت، تعهد طرفین به عدم دخالت در روابط اقتصادی و تجاری بین اتباع طرفین روشن است و این هم مسلم است که تحریم‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم یا با در فهرست تحریم قراردادن اشخاص یا به‌خاطر آثاری که تحریم‌ها داشته است، اتباع ایرانی را تحت‌تأثیر قرار داده است. سپس او به حقوقی که ایران در چارچوب بند اول ماده ۴، بند اول ماده ۷، بند اول ماده ۸، بند دوم ماده ۸، ماده ۹ و بند اول ماده ۱۰ عهده‌نامه مودت در این دعوا می‌توان متصور بود و تحریم‌های آمریکا موجب شده و تعهدات خود را طی این مواد نقض کند اشاره داشت و عناصر حقوق مندرج در این مواد را تشریح کرد. حتی وی به تفاوت‌ امور موضوعی این پرونده با پرونده سکوه‌ای نفتی که در آن، دیوان قائل به وجود رابطه تجاری بین ایران و آمریکا نشد هم اشاره کرد. بنابراین وی نتیجه‌گیری کرد که در اینجا محتمل‌بودن و باورپذیری حقوق ادعایی ایران در دستور موقت درخواستی مهم نیست، بلکه فاش‌بودن نقض تعهدات آمریکا بر اساس عهده‌نامه مودت مسلم است. در مرحله بعد، وکیل دیگر ایران، آقای وردزورت، برای اثبات غیرقابل جبران‌بودن ضررهای وارده به ایران در اثر این تحریم‌ها پشت تریبون رفت و وی به اظهارات مقامات آمریکایی اشاره کرد که حداکثر فشار اقتصادی را علیه ایران اعمال می‌کنند و به نظریه گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران اشاره کرد که اعمال اقدامات قهری یک‌جانبه را واجد آثار منفی بر حقوق بشر در ایران دانست.

در ضمن او پس از اشاره به رویه دیوان، ماده ۴۱ اساسنامه را مورد توجه قرار داد که آستانه یابینی را برای اثبات غیرقابل جبران‌بودن خسارات به‌عنوان یکی از ملاک‌های صدور دستور موقتی مدنظر دارد، درحالی‌که در این پرونده، کل اقتصاد یک کشور در معرض خطر قرار گرفته است. او به توثیت رئیس‌جمهور آمریکا در ۷ اگوست ۲۰۱۸ اشاره کرد که ناظر بر آن بود که اجازه نمی‌دهد هیچ شرکت خارجی برای معامله با ایران در این کشور باقی بماند. سپس به اظهارات مقامات رسمی ایرانی اشاره کرد که مشکلات بازار ارز، تورم، مینش شدن رشد ناخالص ملی، بی‌کاری و مشکلاتی را درحالی‌که به‌واسطه تحریم‌ها را نام برده بودند. او اضافه کرد چند بانک، ارتباط خود را با ایران قطع کرده‌اند و تحریم‌ها صادرات و واردات را تحت‌الشعاع قرار داده و به تبع آن، مواد اولیه برای تولید کارخانجات داخلی هم دچار مشکل شده است. بانک‌هایی هم که فعالیت خود بر روی تأمین سرمایه در پروژه‌ها مشارکت کنند از تصمیم خود منصرف شده‌اند. بانک پاسارگاد هم به اعمال تحریم‌ها در مورد واردات دارو از طرف آمریکا اشاره کرده است. در اظهارات یک مقام ارشد آمریکایی در ششم اگوست ۲۰۱۸ آمده که خوشحال است که صد شرکت بین‌المللی آمریکا به‌واسطه تعهدات آمریکا از ایران خارج شوند، سپس به اخبار سیاست‌های بولمرگ یا رویترز در مورد رساندن فروش نفت ایران به صفر، خروج شرکت توتال از ایران، عدم ادامه تجارت با ایران از طرف شرکت مانسک و به‌خطرافتادن جان مسافران هواپیماهای ایرانی در اثر این تحریم‌ها هم اشاراتی شد. در ادامه، آقای وردزورت تلاش کرد تک‌تک مواد عهده‌نامه مودت را که از نظر ایران با تحریم‌های آمریکا نقض شده‌اند با ذکر مثالی از جنبه امور موضوعی برای قضات تبیین کند و به‌ویژه به اثری که این تحریم‌ها بر بهداشت و رفاه شهروندان ایرانی می‌گذارد، اشاره کرد.

در پایان این جلسه رسیدگی، وکیل دیگر ایران، آقای توتون که موضوع فوریت به‌عنوان عنصر دیگر صدور دستور موقت را باید در دادگاه مورد تجدیدنظر و اثبات قرار می‌داد، مبنای دفاعیات خود را بر بی‌سابقه‌بودن این فشارها علیه ایران و اینکه هدف آمریکا فلج‌کردن اقتصاد ایران است، قرار داد. او با اشاره به توانایی اقتصادی آمریکا به‌عنوان کشوری که دارای ۲۵ درصد رشد ناخالص ملی جهانی، ۳۵ درصد سهام بورس دنیا و ۱۲ درصد سهام بانک‌های خارجی در جهان است، قابلیت ایالات متحده را برای تحت فشار قراردادن ایران از طریق تحریم‌ها مورد توجه قرار داد. در تاکید بر فوری‌بودن خطر، آقای توتون به ریسک جان انسان‌ها که سوار هواپیماهای ایرانی می‌شوند، اشاره کرد و بعد از آن، به نامه سران کشورهای اروپایی در ۴ ژوئن ۲۰۱۸ خطاب به رئیس‌جمهور ایالات متحده اشاره کرد که اظهار کردند انتظار دارند تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا علیه شرکت‌های آنان اعمال نشود. با همه این اوصاف، آقای توتون تصریح کرد درخواست ایران برای صدور دستور موقتی از دیوان بین‌المللی دادگستری دیر نیست، چون شرایط وخیم‌تر خواهد شد و اگر دادگاه دستور موقت صادر نکند، صدمات جدی‌تری به ایران وارد خواهد شد.

روزنه

نگاه وکیل مستقر در لاهه به ۲ روز دادگاه

بررسی حقوقی موضوع فوریت رأی

● درباره روز روز دادگاه می‌توان این نکات حقوقی را متذکر شد. برخلاف اظهار وکیل ایران، رویه دیوان این نیست که خود را محدود به فرمول و قالب دادخواست ثبت‌شده از سوی خواهان کند، بلکه برای بررسی امکان صدور دستور موقت باید موضوع جوهری دعوا را نیز بررسی کند. اگر به امور موضوعی دعوای ایران توجه کنیم، درمی‌یابیم که ایران از ادامه‌نیافتن حضور آمریکا در برجام شکایت دارد و اینکه دوباره تحریم‌ها اعمال شده است. برجام سندی است که از نظر شرایط تاریخی، متفاوت از عهده‌نامه مودت است. دلیل محکم ناراضیانی دولت‌های عضو برجام از صلاحیت دیوان است، پس صدور دستور موقت هم متغنی است. کمااینکه سایر اعضای برجام هم تصمیم گرفته‌اند از تمام یا بخشی از تعهدات خود طبق برجام دست بکشند. اقدام از طریق مجاری دیپلماتیک، مبنای غیرالزام‌آربودن برجام و شرط حل‌وفصل سیاسی مندرج در برجام ثابت می‌کند که برجام مبنای حل‌وفصل اختلاف حقوقی ندارد و مواعد زمانی کوتاهی که برای حل اختلاف به روش دیپلماتیک در برجام ذکر شده، حکایت از نگرانی‌های مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی دارد. خلاصه اینکه هیچ مکانیسم الزام‌آور حقوقی‌ای برای حل‌وفصل اختلاف در برجام نیست. اتفاقاً بند ۲۷ که به حل‌وفصل اختلافات در برجام می‌پردازد، به‌طور صریح این وضعیت را پیش‌بینی کرده و آن یک مکانیسم سیاسی است و اصلاً مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری در آن پیش‌بینی نشده است.

مطابق بند دوم ماده ۲۱ عهده‌نامه مودت، خواهان باید قبل از مراجعه به دیوان تلاش دیپلماتیک اصیل و واقعی می‌کرده است، همان‌طورکه دیوان در دعوای گرجستان علیه روسیه یا دعوای بین آمریکا و آلمان اشاره کرده، این فقط شرط شکلی تشریفاتی نیست و موضوعیت دارد. ایران فرصت کافی در اختیار آمریکا نگذاشته و فاصله بین ارسال یادداشت‌های دیپلماتیک ایران و ثبت دادخواست بسیار کم است. در ماده ۲۰ عهده‌نامه مودت، استثنائاتی تعیین شده که شرط صلاحیتی عهده‌نامه مودت را محدود می‌کند و این موارد به‌خوبی از متن ماده مشخص است که دستورموقت‌بردار نیستند. آمریکا زمانی که عهده‌نامه مودت را امضا کرد، می‌توانست نسبت به مسائل حساس، حق حاکمیت خود را حفظ کند و به‌همین‌دلیل کنگره، صلاحیت محدود دیوان را طبق عهده‌نامه پذیرفت. این ماده در واقع، استثنائی بر صلاحیت دیوان و ماده ۲۱ عهده‌نامه مودت است. پس مبنایی برای صلاحیت علی‌الظاهر وجود ندارد و دیگر امکان صدور دستور موقت نیست. در این راستا می‌توان به دعوای پاکستان و هند یا دعوای کنگو علیه رواندا نیز اشاره کرد.

در مقابل تهدید امنیت ملی، به‌لحاظ تاریخی، تدابیر اقتصادی مثل توقیف اموال یا تحریم خیلی شایع بوده است. برای نمونه می‌توان به عهده‌نامه مودت آمریکا با ایتالیا یا آلمان اشاره کرد. در دعوای حاضر، ادعای تهدید هسته‌ای ایران است که حساسیت امنیت ملی آمریکا را برمی‌انگیزد. در دستور اجرایی کلیتوتن در ۲۰۰۶ تصریح شده که تحریم‌هایی که علیه ایران اتخاذ می‌شوند، به‌واسطه تهدیدهایی علیه امنیت ملی آمریکااست و در متن یادداشت مورخ هشت می ۲۰۱۸ هم به موضوع ضروریات امنیت اتباع آمریکایی اشاره شده است. در ضمن در شق «ب» بند اول ماده ۲۰ عهده‌نامه مودت این اختیار به هریک از طرفین داده شده که درباره مواد قابل شکافت و تولید مواد رادیواکتیو اقدامات مربوطه را به‌عنوان استثنای تعهدات به موجب عهده‌نامه اتخاذ کند. از عبارت این شق در مقایسه با سایر بندها به‌خوبی روشن است که آمریکا می‌تواند اقداماتی فراتر از اعمال ممنوعیت صادراتی و وارداتی انجام دهد.

درخواست دستور موقت ایران خیلی گسترده است و اگر دستور موقتی صادر شود، یعنی آمریکای طبق حقوق داخلی خود مجوز تجارت و معامله با ایران را بدهد و این خلاف حق حاکمیت آمریکاست. دادن دستور موقت برای ایران به‌منزله صدور رأی ماهیتی موقت به نفع ایران است و این در حالی است که ایران نمی‌تواند جبران‌ناپذیربودن ضرر را ثابت کند. در واقع ایران با درخواست دستور موقت، به‌دنبال حفظ حقوق خود نیست، بلکه درصدد جلوگیری از ورود خسارات اقتصادی به خود است. ایران باید برای درخواست دستور موقت، ثابت کند محق ادعایی که می‌خواهد حفظ کند، مربوط به ماهیت دعواست، ریسک واقعی نسبت به این حقوق وجود دارد. خطر فوری را می‌توان توجه کرد. هر سه شرط باید وجود داشته باشد. باید وقتی دیوان می‌خواهد دستور موقت صادر کند، آثار آن را بر خواننده هم در نظر بگیرد نه فقط بر خواهان. دستور موقت درخواستی ایران، به‌روز پیش‌دآوری نسبت به ماهیت دعوا منجر می‌شود.